

# نقد و بررسی کتاب دینی و قرآن

## سال دوم متوسطه

بخش دوم و پایانی

مظهر نعمتی  
دبیر آموزش و پرورش



### بوتۀ نقد

البته ذکر این سخنان نشانه آن نیست که اسلام به آراستگی و نظافت توجهی ندارد بلکه در آیات و احادیث فراوانی به این مطلب اهمیت داده شده است. حدیث «النظافة من الایمان» به این مطلب اشاره دارد اما سخن این است که عنوان مذکور «تناسب میان ظاهر و باطن در آراستگی» را نمی‌توان به صورت اصل و قاعده‌ای عام عنوان کرد.

### اشاره

در شماره‌های قبلی مجله، نقد و بررسی کتاب دینی و قرآن سل دوم متوسطه تقدیم حضورتان شد. در این شماره، بخش دوم و پایانی این موضوع تقدیم می‌شود.

### درس دهم

درباره آیات ابتدایی درس، بهتر بود در متن درس به اسباب نزول این آیات، که وقایع جنگ اُحد است، اشاره‌ای می‌شد. همچنین، در مورد علت مشورت رسول خدا با یارانش با وجود وحی به ایشان و تأیید سخنانشان به موجب آیات قرآن از قبیل «و ما یطق عن الیهوی (۳) ان هو الا وحی یوحی» (نجم ۳- ۴) توضیحاتی می‌آمد. ذکر نمونه‌ای از نرم‌خویی و اخلاق حسنه پیامبر نیز به فهم بیشتر آیات کمک می‌کرد.

### درس دوازدهم

در مورد متن مربوط به عنوان تناسب میان ظاهر و باطن «آراستگی» (ص ۱۲۸) توضیحات این قسمت لزوماً باید بازبینی شود و تغییر یابد؛ زیرا این جملات که به صورت قواعد کلی نوشته شده‌اند، به صورت عمومی مصداق خارجی ندارند. چه بسا افرادی با ظاهر بسیار آراسته و فریبنده، درونی آلوده و مریض داشته باشند و برعکس، افرادی با درونی روشن و نورانی چندان آراسته و مرتب نباشند. چنان‌که شیخ سعدی می‌فرماید:

«صورت زیبای ظاهر هیچ نیست  
ای برادر، سیرت زیبا بیار»

## درس چهاردهم

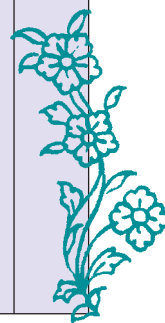
## درس شانزدهم

در رابطه با مراحل امر به معروف و نهی از منکر ص ۱۵۲ در مرحله سوم گفته شده که به کارگیری زور و اجبار برای جلوگیری از یک کار حرام یا وادار کردن فردی به امری واجب، مشروط به اجازه حاکم است. باید خاطر نشان کرد که در برخی شرایط فرصت اخذ اجازه حاکم وجود ندارد و در صورت اقدام نکردن فتنه و فساد عظیمی ایجاد می شود.

- در قسمت زکات بهتر بود در کنار تعریف زکات و ذکر حد نصاب آن موارد، مصرف زکات با اشاره به آیه مربوط مطرح می شد و برخی از حکمت ها و فواید پرداخت زکات و زیان و ضررهای ناشی از عدم پرداخت آن مورد بحث قرار می گرفت.

درس	صفحه	سطر	آنچه هست	آنچه باید باشد	توضیحات
اول	۸ و ۹ و ۱۰		تصاویر مربوط به اکسیژن...	تصاویر باید در زیر مطالب مربوط به خود قرار گیرند.	
اول	۵		آیات ۲ و ۳ سوره اعلی	بهتر بود آیه اول این سوره هم آورده می شد تا ترجمه و دریافت بهتری از آیات صورت می گرفت.	
اول	۱۱			بهتر بود قبل از بیان ویژگی های مجموعه منظم، ابتدا تعریفی ساده از نظم بیان می شد تا هدف از آموزش نظم بهتر تحقق یابد.	نظم را می توان چنین تعریف کرد: نظم عبارت است از اینکه هر جزئی در جهان خلقت بدون مزاحمت برای اجزای دیگر و همگام با آنها، به سوی هدف مشخصی حرکت کند.
دوم	۱۷	۱۵	و صورکم؛ و شما را صورتگری کرد.	ترجمه صحیح چنین است: تکه های جدا شده از شما را به هم متصل کرد.	از آیات قرآن می توان چنین استنباط کرد که مراحل آفرینش هر خلقتی عبارتند از: ۱. خلق = اندازه گیری؛ ۲. برء = جدا کردن و قطعه قطعه کردن طبق اندازه؛ ۳. تصویر = متصل کردن قطعات بریده و جدا شده؛ ۴. تسویه = انطباق شکل و خلقت موجود با طرح و الگوی ذهنی. همه این مراحل در این آیات قرآن وجود دارند: «هو الله الخالق الباری المصور...» (حشر / ۲۴)؛ الذی خلق فسوی (اعلی / ۲).
دوم	۲۸		پیشنهاد	با توجه به اهمیت سؤال اول قسمت پیشنهاد، بهتر بود این سؤال به صورت یک فعالیت در ضمن درس گنجانده می شد تا طراح سؤال اجازه طرح سؤال از آن را پیدا می کرد.	یادگیری ویژگی های علم الهی و علم انسان از اهداف مهم این درس است و مؤلف با قرار دادن این فعالیت در قسمت پیشنهاد، از اهمیت آن کاسته است و چه بسا به آن پرداخته نشود.
سوم	۳۳	۷	... وفضلناهم علی کثیر متن خلقنا تفضیلا؛ و بر بسیاری از آفریدگان خویش برتری کاملشان بخشیدیم.	آنها را بر بسیاری از موجوداتی که آفریدیم، برتری کاملی بخشیدیم.	اگر به این صورت ترجمه می شد، رساتر و شیواتر بود و دانش آموز بهتر می توانست فعل ها و مرجع ضمائر را درک کند.
سوم	۳۳	۱۱ و ۱۲	... فطرت الله الّتی فطر الناس علیها... همان سرشت خدایی که همه مردم را بر آن سرشته است.	سرشت خدا گونه ای که پروردگار همه مردم را طبق آن آفریده است.	طبق ترجمه کتاب، الّتی صفت خداوند شده است یا این طور برداشت می شود؛ در حالی که الّتی صفت فطرت است.

درس	صفحه	سطر	آنچه هست	آنچه باید باشد	توضیحات
سوم	۳۳	۱۳	و نفس و ما سوّاهَا؛ سوگند به نفس و آن که سامانش داد.	قسم به نفس و قسم به آن که خصوصیات و اجزایش را طبق علم خود به او بخشید. (نمی توان برای ترجمه هر واژه قرآنی، یک واژه فارسی معادل آن به کار برد؛ چه بسا لازم باشد برای برگرداندن یک لغت قرآنی به زبان فارسی چند کلمه به کار ببریم تا حق مطلب ادا شود.)	توضیح این لغت در درس دوم در قسمت توضیح صفحه ۱۷ آمده است. اشکال دیگری که در ترجمه وجود دارد، این است که کلمه مای موصوله به «آن که» ترجمه شده است؛ در حالی که چون این کلمه غالباً برای غیر انسان به کار می رود، «آنچه» ترجمه می شود. در هر صورت، عده ای ترجمه دیگری برای این عبارت گفته اند که ذکر آن خالی از لطف نیست: قسم به نفس و برابر گردانیدن خلقتش با علم الهی.
سوم	۳۴	۶	و لا اقسام بالنّفس اللّوامة: و سوگند به نفس ملامت کننده.	و به نفس ملامتگر سوگند نمی خورم.	در ترجمه کتاب، حرف لا زائد در نظر گرفته شده است؛ در حالی که طبق رأی راجح برخی علما، حرف زائد در قرآن وجود ندارد. سوگند نخوردن خداوند در این آیه و در آیات دیگر قرآن، استدلال لطیفی است که بیان آن در این مقال نمی گنجد.
سوم			منابع ذکر شده در پاورقی ها	باید منابع دست اول و معتبر ذکر شوند.	منابع چه در این درس و چه دروس دیگر این کتاب، به خصوص برای مباحث اعتقادی، از منابع دست اول و مطابق با آن موضوع نیستند. برای مثال؛ در صفحه ۳۷ برای ذکر منبع روایت امام علی در سطر ششم از کتاب «علم الیقین» استفاده شده است که اصولاً یک کتاب روایی نیست.
چهارم	۴۳	۷	... و نفخت فیه من روحی...: ... و از روح خود در او دمیدیم...	به هنگام خواندن این ترجمه ممکن است برای خواننده این توهم ایجاد شود که خداوند روحی دارد و مقداری از آن را به انسان بخشیده است. بنابراین، برای جلوگیری از این توهم لازم است در پاورقی به این نکته اشاره می شود که اضافه روح به ضمیر یاء (خداوند) یک اضافه تشریفی است نه حقیقی، مثل بیت الله.	
چهارم	۴۳	۱۰	علقه: خون بسته	آویزان شده	برخی تفاسیر معتبر، ترجمه کلمه علقه را به «خون بسته» رد کرده اند. علقه در زبان عربی به معنای «آویزان شده» است.
چهارم	۴۳	۱۲	لحمًا: گوشت	گوشتی	
چهارم			در این درس و چند درس دیگر این کتاب از بُعد غیر جسمانی انسان به روح تعبیر شده است.	تعبیر نفس، دقیق تر و صحیح تر است.	جان یا همان بُعد غیر جسمانی انسان قبل از آنکه خداوند آن را جزو وجود انسان گرداند، به تعبیر قرآن روح نام دارد. همان طور که در این آیه هم به این مطلب اشاره شده است: ... و نفخت فیه من روحی ففعلوا له ساجدین (ص/۷۲)، ولی پس از آمیختن با جسم و تأثر و تأثیر آن با حالات و خصوصیات و غرایز جسم به تعبیر قرآنی نام دیگری به خود می گیرد و می شود نفس. پس نفس همان جان انسان است که با بُعد جسمی آمیخته شده است. در تمام آیاتی که خداوند به بُعد غیر جسمانی انسان در حال حیات و حتی بعد از حیات اشاره می کند، لغت نفس را به کار می برد؛ مثل: ... و لو تری اذ الظالمون فی غمرات الموت و الملائکی باسطوا ایدیهم آخرجوا انفسکم... (انعام/۹۴)



درس	صفحه	سطر	آنچه هست	آنچه باید باشد	توضیحات
پنجم	۴۹	۱۳	ینشی... : آفرینش آخرت را پدید آورد.	آفرینش دیگری را پدید آورد.	«الآخره» صفت برای انشأه است؛ در صورتی که در ترجمه کتاب به صورت مضاف‌الیه آمده است
پنجم	۵۰	۲	ولتجزی: پاداش یابد.	پاداش داده شود.	فعل مجهول است.
هفتم	۷۲	۱۰ و	آثار ماتقدم و ماتأخر به صورت ناصحیح و مبهم توضیح داده شده‌اند.	آثار ماتقدم: آثار اعمالی هستند که به هنگام انجام دادن آن‌ها- صالح یا غیر صالح- اثرشان در پرونده اعمال ثبت می‌شود و آثار بعدی ندارد. آثار ماتأخر: آثار اعمالی هستند که به هنگام انجام دادن آن‌ها- صالح یا غیر صالح- اثرشان در پرونده اعمال ثبت می‌شود و این آثار ممکن است تا آخر زندگی و بعد از مرگ هم ادامه یابد.	
هفتم	۷۳		در بحث اعتقادی (اوضاع برزخ و قیامت) از احادیث آحاد استفاده شده است.	باید از آیات قرآن استفاده کرد.	از آنجا که اعتقادات اصول دین هستند و انسان باید نسبت به وجود آن‌ها و جزئیات ذکر شده پیرامون آن‌ها یقین پیدا کند، پس نمی‌توان از احادیث آحاد استفاده کرد؛ زیرا از بدیهیات علم‌الحدیث آن است که احادیث آحاد مفید ظن هستند نه یقین، فقط قرآن و احادیث متواتر مفید یقین‌اند.
هشتم	۷۹ و ۸۰		تنها به نفخ صور اول و دوم اشاره شده است.	در قرآن سه نفخ صور به صراحت ذکر شده‌اند، در آیات ۴۹ تا ۵۳ سوره یس.	در این آیات، خداوند سه نوع نفخ صور بیان می‌فرماید (شبیه پادگان‌های نظامی): ۱. نفخ صور اول = شیپور بخواب (همه انسان‌ها می‌میرند)؛ ۲. نفخ صور دوم = شیپور بیدارباش (همه انسان‌ها زنده می‌شوند)؛ ۳. نفخ صور سوم = شیپور به صف (همه انسان‌ها در دادگاه عدل الهی حاضر می‌شوند تا به پرونده اعمال آن‌ها رسیدگی شود).
هشتم	۸۰ و ۸۱	سطر آخر	آن (پیامبران) معیار سنجش اعمال دیگر انسان‌ها هستند؛ چون ظاهر و باطن اعمال انسان‌ها را در دنیا دیده‌اند.	در هیچ آیه‌ای از قرآن ذکر نشده است که پیامبران ظاهر و باطن انسان‌ها را دیده‌اند. و حتی آیات قرآنی خلاف این مطلب را می‌رسانند. نظیر آیات افک سوره نور که خود حضرت رسول از حقیقت ماجرا بی‌اطلاع بود. یا آیات ۴۲ تا ۴۹ سوره توبه مؤید این مطلب هستند که دیدن اسرار نهانی و باطن انسان‌ها تنها امتیاز پروردگار است.	
نهم	۸۷	۶	عبارت <u>یره</u> ترجمه نشده است.		

